

رکود اقتصادی و مدیریت سود

رافیک باغومیان^۱
حجت محمدی^۲
منصور طاهری^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۳۰

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تاثیر رکود اقتصادی (رشد منفی تولید ناخالص داخلی^۱) بر مدیریت سود شرکت‌ها است. نمونه پژوهش شامل ۱۱۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ بوده است. در این پژوهش برای سنجش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، از مدل تعدیل‌شده جونز استفاده شده است. تحلیل یافته‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که میان رکود اقتصادی و مدیریت سود شرکت‌ها، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش رشد منفی تولید ناخالص داخلی، مدیران شرکت‌ها اقدام به مدیریت سود بیشتری می‌کنند تا بابت‌تر نشان دادن وضعیت مالی شرکت مانع از ورشکستگی شوند. علاوه بر این، نتایج پژوهش حاضر حاکی از این است که نوسان‌های تولید ناخالص داخلی به‌عنوان یکی از متغیرهای کلان اقتصادی می‌تواند بر مدیریت سود تاثیرگذار باشد. به عبارت دیگر علاوه بر انگیزه‌های مدیریت سود مانند پاداش، می‌توان رکود اقتصادی را یکی از عوامل تاثیر گزار بر مدیریت سود دانست.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، نوسان‌های تولید ناخالص داخلی، رکود اقتصادی.

۱- استادیار گروه حسابداری دانشگاه شهید بهشتی Rafik.Baghoumian@tetrapak.com

۲- کارشناس ارشد دانشگاه شهید بهشتی Ehsan_21_teh@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران Mansourtaheri50@gmail.com

۱- مقدمه

هدف صورت‌های مالی براساس بند ۱-۱ مفاهیم نظری استانداردهای حسابداری ایران، ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی مفید واقع شود. رقم سود نیز یکی از اجزای صورت‌های مالی است که در تصمیم‌گیری اشخاص برون‌سازمانی جهت برآورد ارزش سرمایه‌گذاری (برآورد وجوه نقد آتی دریافتی شرکت)، ارزیابی عملکرد شرکت، ارزیابی پاسخگویی و غیره، موثر است. حال پرسش اینجاست که آیا امکان دارد این اطلاعات مورد دستکاری قرار گیرد؟ مسلم است با توجه به وجود بسترهایی مانند تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکیت و مدیریت، امکان تحریف و دستکاری سود توسط مدیریت وجود دارد. همچنین، در عمل نیز تحریف‌ها و رسوایی‌های جهانی و نتایج اسفبار آن‌ها مانند ورشکستگی شرکت‌هایی مثل وردکام و انرون، امکان دستکاری سود توسط مدیریت را تایید می‌کند.

امروزه بحث مدیریت سود یکی از بحث‌های جذاب و بحث‌برانگیز در حسابداری مالی به‌شمار می‌رود. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های مرتبط با مدیریت سود حجم زیادی از متون و ادبیات حسابداری را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، تقریباً ۲۰٪ کل مقاله‌های منتشرشده در هشت مجله معتبر حسابداری آمریکا، به موضوع مدیریت سود اختصاص داشته است. به طور کلی می‌توان عوامل موثر بر مدیریت سود توسط مدیران را به عوامل برون‌شرکتی و عوامل خاص شرکت‌ها تقسیم‌بندی کرد. اطلاعات درباره عوامل برون‌شرکتی، شامل اطلاعاتی است که کل اقتصادارافرا گرفته و بر تمام شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد؛ اما اطلاعات درباره عوامل خاص شرکت‌ها، شامل اطلاعاتی درباره تغییر مدیران، وضعیت شرکت و نظیر آن می‌باشد. اغلب پژوهش‌های پیشین مدیریت سود در زمینه موضوع‌هایی مانند رابطه محافظه‌کاری و مدیریت سود

(انصاری و همکاران، ۱۳۹۲)، نقش اقلام تعهدی در مدیریت سود (کرمی و همکاران، ۱۳۸۴) و ارزیابی الگوهای مبتنی بر اقلام تعهدی برای کشف مدیریت سود (نیکومرام و همکاران، ۱۳۸۸)، بوده است. در این پژوهش‌ها به بررسی تاثیر عوامل خاص شرکت بر مدیریت سود پرداخته شده و بررسی تاثیر عوامل کلان اقتصادی مانند نوسان‌های تولید ناخالص داخلی به‌عنوان یکی از عوامل برون‌شرکتی، مغفول مانده است. این در حالی است که امروزه ادعا می‌شود عوامل کلان اقتصادی می‌تواند بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر بااهمیتی بگذارد (جانسون^۲، ۱۹۹۹). از سوی دیگر، تولید ناخالص داخلی به‌عنوان یکی از متغیرهای کلان اقتصادی، طی سال‌های اخیر در ایران نوسان‌های زیادی بر اثر تحریم‌های ناعادلانه وضع شده داشته و با رشد منفی آن، کشور وارد رکود اقتصادی شده است. بنابراین در این پژوهش به بررسی رابطه بین تغییرات تولید ناخالص داخلی و مدیریت سود پرداخته می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به ادبیات حسابداری حوزه مدیریت سود به‌ویژه در خصوص تاثیر عوامل کلان اقتصادی بر آن، کمک کند. بدین ترتیب، هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر نوسان‌های تولید ناخالص داخلی به‌عنوان یکی از عوامل کلان اقتصادی بر مدیریت سود می‌باشد.

در ادامه مبانی نظری پژوهش و پیشینه پژوهش بیان شده است و در بخش‌های بعدی به فرضیه‌های پژوهش و روش انجام پژوهش پرداخته می‌شود و در نهایت نیز نتایج آزمون فرضیه‌های آماری، نتایج کلی و پیشنهادها ارائه شده است.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مدیریت سود

در ادبیات حسابداری، تعاریف مختلفی از مدیریت سود توسط پژوهشگران بیان شده است؛ هرچند ارائه تعریفی مناسب از مدیریت سود، مستلزم شناخت اهداف و انگیزه‌های مدیریت سود و کاربرد آن است.

این فرضیه، استفاده‌کنندگان با انتخاب رویه‌های متفاوت حسابداری، گمراه می‌شوند. بنابراین، این فرضیه بر ناکارایی بازار اشاره دارد (ولکر ۱۳، ۱۹۹۵؛ کاپلان ۱۴ و رول ۱۵، ۱۹۷۳).

فرضیه بازار کارا

فرضیه بازار کارا (پارادایم حاکم بر پژوهش‌های حسابداری مالی در دهه ۷۰)، بیانگر آن است که قیمت‌های بازار، تمام اطلاعات در دسترس را به‌طور کامل منعکس می‌کنند (هینز ۱۶، ۱۹۶۲). در شکل نیمه‌قوی بازار کارا گفته می‌شود که بازار می‌تواند اثر تغییرات حسابداری تصنعی (مدیریت سود) را تشخیص دهد؛ لذا مدیریت نمی‌تواند بازار را به‌طور منظم گمراه نماید (ولکر، ۱۹۹۵).

نظریه اثباتی

نظریه اثباتی، انگیزه‌هایی به غیر از انگیزه‌های مرتبط با بازار سرمایه را برای توضیح مدیریت سود مطرح می‌نماید. بدین‌منظور، نظریه اثباتی فرضیه‌های قبلی را نقض نمی‌کند، بلکه به جای آن بر استفاده از گزینه‌های متفاوت حسابداری بر انگیزه‌های قراردادی داخلی شرکت تاکید می‌کند. مطابق نظریه اثباتی حسابداری، از آنجایی که متغیرهای حسابداری مبنایی برای تصمیم‌گیری مربوط به تخصیص منابع، جبران خدمات مدیریت و اجتناب از نقض قراردادهای بدهی فراهم می‌کند، مدیریت می‌تواند از طریق برآوردها و گزینش رویه‌های مختلف حسابداری، سود را مدیریت کند و بر نتایج و پیامدهای این تصمیم‌ها اثر گذارد (واتر و زیمرمن ۱۷، ۱۹۷۸). بدین ترتیب، نظریه اثباتی جهت‌گیری پژوهش‌های مدیریت سود را از آزمون انگیزه‌های مبتنی بر بازار سرمایه به سمت دلایل قراردادهای داخلی شرکت سوق داد (نوروش و حسینی، ۱۳۸۸).

نظریه نمایندگی

هرچند از دیدگاه قانونی، شرکت یک شخصیت مستقل و جداگانه محسوب می‌شود، اما در سال‌های

اسکات^۳ (۲۰۰۰) به مدیریت سود به‌عنوان اختیار در انتخاب سیاست‌های حسابداری برای دستیابی به برخی از اهداف خاص مدیر، می‌نگرد.

فرن^۴ و همکاران (۱۹۹۴)، مدیریت سود را به‌عنوان دستکاری سود توسط مدیریت به‌منظور دستیابی به قسمتی از پیش‌داوری‌های مربوط به سود مورد انتظار تعریف می‌کنند.

دیجورج^۵ و همکاران (۱۹۹۹)، مدیریت سود را به‌عنوان نوعی دستکاری سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح سود مورد انتظار برای دستیابی به برخی اهداف خاص (از جمله حصول به پیش‌بینی تحلیل‌گران و برآورد روند سودهای قبلی برای پیش‌بینی سودهای آتی) تعریف کرده‌اند.

هلی و والن^۶ (۱۹۹۹) معتقدند مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی عوض کنند. این هدف یا به قصد گمراه ساختن برخی از صاحبان سهام نسبت به عملکرد اقتصادی است و یا به‌منظور تاثیر در نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود مشخصی می‌باشد. در ضمن باید توجه داشت که در تعاریف پیش‌گفته برای مدیریت سود، اهداف، انگیزه‌ها و کاربردهای خاصی مشخص شده است.

در ادبیات حسابداری، فرضیه‌ها و نظریه‌های متفاوتی درباره مدیریت سود و پیامدهای آن ارائه شده است. این فرضیه‌ها عبارتند از: فرضیه مکانیکی^۷، بازار کارا^۸، نظریه اثباتی^۹ و نظریه نمایندگی^{۱۰}.

فرضیه مکانیکی

این فرضیه که در دهه ۱۹۶۰ ارائه شد، بیانگر آن است که گزارش‌های مالی منبع انحصاری تصمیم‌گیری می‌باشند و هیچ جایگزینی برای اطلاعات حسابداری وجود ندارد؛ اگرهم وجود داشته باشد، استفاده نمی‌شود (گانزاج ۱۱، ۱۹۹۶؛ دچو ۱۲، ۱۹۹۴). بنابراین استفاده‌کنندگان فقط از گزارش‌های مالی در جهت تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند. طبق

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های خارجی

در مطالعات گذشته، بیشتر تأثیر عوامل درون شرکتی بر سود در طول زمان مورد بررسی قرار گرفته است که از جمله آن می‌توان به پژوهش‌های دچو و دیچو^{۱۹} (۲۰۰۲) و ریچاردسون^{۲۰} و همکاران (۲۰۰۵)، اشاره کرد. اما در سال‌های اخیر، جهت‌گیری مقاله‌ها بدین سو بوده است که به بررسی تأثیر عوامل برون شرکتی نیز بپردازند. مطالعه جنکینز و همکاران^{۲۱} (۲۰۰۹)، تامی^{۲۲} (۲۰۱۲) و جانسون (۱۹۹۹) در این دسته مطالعات قرار دارند.

کایریاکو^{۲۳} و همکاران (۲۰۱۵) طی پژوهشی به بررسی رابطه بین عدم اطمینان اقتصادی و مدیریت سود در کشورهای اسپانیا، پرتغال، یونان، ایتالیا و ایرلند پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در کشورهای اسپانیا و یونان در هنگام وجود رکود اقتصادی، مدیریت سود کمتری صورت می‌گیرد؛ ولی در کشورهای پرتغال و ایتالیا و ایرلند، به نتایج متفاوتی رسیدند. شرکت‌های ثبت شده در این کشورها تمایل دارند مدیریت سود را کاهش دهند؛ ولی در بعضی شرایط شرکت‌های کشور ایرلند با وجود قوانین سخت‌گیرانه نسبت به مدیریت سود و شفافیت اطلاعاتی، تصمیم به افزایش مدیریت سود می‌گیرند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌های کشورهای مختلف، رفتار متفاوتی نسبت به مدیریت سود دارند.

ایتریدیس و دیمیتراس^{۲۴} (۲۰۱۳) طی پژوهشی به بررسی مدیریت سود در بین شرکت‌های اروپایی پرداختند. این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند شرکت‌هایی که قبل از وقوع بحران مالی سال (۲۰۰۸) وضعیت مالی خوبی نداشتند و با افزایش بحران وضعیت مالی آنها بدتر شده بود، اقدام به مدیریت سود بیشتری کردند تا با بیشتر نشان دادن سود، ورشکست نشوند. بنابراین براساس نتایج پژوهش این پژوهشگران، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش رکود اقتصادی، شرکت‌هایی که وضعیت مالی خوبی ندارند؛ اقدام به مدیریت سود بیشتری می‌کنند.

اخیر بسیار معمول شده است که شرکت را به‌عنوان مجموعه‌ای از قراردادهای میان طرف‌های مختلف، تلقی کنند. این قراردادها به‌طور معمول قرارداد میان سهامداران و مدیریت می‌باشد. در قرارداد میان مدیران و سهامداران، سود حسابداری به‌عنوان بهترین شاخص عملکرد اقتصادی تلقی می‌شود که محصول فرایند حسابداری مالی است و برای مقاصد مختلفی نظیر طرح‌های جبران خدمات مدیریت و ارزیابی وظیفه مباشرت مدیریت، نقش اساسی بازی می‌کند. بنابراین با توجه به اهمیت سود حسابداری و نقش تعیین‌کننده آن در شرایط وجود قرارداد میان مدیران و سهامداران، این فرض قوت می‌گیرد که به دلیل وجود تضاد منافع، مدیران کیفیت سود را تحت تأثیر قرار می‌دهند و این به معنای مدیریت سود است.

سرمایه‌گذاران ارکان اصلی بازارها و نهاد مالی به‌شمار می‌روند و همواره در پی اطلاعاتی هستند که با استفاده از آن، تصمیم‌های مناسبی بگیرند. شرط لازم برای تصمیم‌گیری مناسب، وجود اطلاعاتی شفاف و صحیح است. سود حسابداری، یکی از فراگیرترین اطلاعاتی است که سرمایه‌گذاران همواره به آن توجه می‌کنند؛ اما مسئله اصلی مطرح شده آن است که سود تحت تأثیر عواملی در داخل و همچنین عواملی در خارج از شرکت قرار دارد. مطالعات زیادی در این زمینه انجام شده است که از جمله آنها می‌توان به پژوهش دانلسون و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۰) اشاره کرد. آنها در بررسی خود به این موضوع پرداخته‌اند که آیا تغییرات در رابطه درآمد-هزینه، ناشی از عوامل داخل شرکت بوده یا عوامل اقتصادی بر آن تأثیرگذار بوده‌اند. یافته‌های دانلسون و همکاران نشان داد که عوامل و تغییرات اقتصادی به‌طور چشمگیری بر رویه‌ها و روش‌های حسابداری اثر می‌گذارد. همچنین، آنها دریافته‌اند که بخشی از این تغییرات به دلیل تغییر در شرایط اقتصادی بوده است. بنابراین، آگاهی از این تأثیرها می‌تواند به شرکت‌کنندگان در اتخاذ تصمیم‌های مناسب یاری رساند.

مترقبه، سود خالص و رشد دارایی‌ها پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که همه متغیرهای فوق رابطه مستقیم و معناداری با تغییرات تولید ناخالص داخلی دارند، اما شدت این رابطه در دوره رکود نسبت به دوره رونق بیشتر است. این حساسیت متفاوت را می‌توان با استفاده از ویژگی‌های خاص شرکت و صنعت توضیح داد. همچنین، ایشان شرکت‌های نمونه را به دو گروه چرخه‌ای^{۲۷} و غیرچرخه‌ای تقسیم کرد که براساس یافته‌های او این حساسیت نسبت به چرخه‌های تجاری برای پنج متغیر مورد بررسی در شرکت‌های چرخه‌ای وجود داشته است؛ در حالی که برای شرکت‌های غیر چرخه‌ای، فقط برای دو متغیر فروش و دارایی‌ها وجود داشته است. همچنین، این حساسیت از طریق اندازه شرکت کاهش می‌یابد؛ بدین ترتیب که هرچه اندازه شرکت کوچکتر باشد، حساسیتش بیشتر خواهد بود.

باتاچاریا^{۲۸} و همکاران (۲۰۰۳)، طی پژوهشی عدم شفافیت سود را در ۳۴ کشور اندازه‌گیری کردند و سپس تاثیر عدم شفافیت بر دو ویژگی بازار سرمایه؛ یعنی تقاضای بازده سهامداران و میزان معاملات آن‌ها را مورد بررسی قرار دادند. نتیجه پژوهش نشان‌دهنده این بود که افزایش در معیار کلی عدم شفافیت سود در یک کشور، با افزایش قابل ملاحظه در هزینه سرمایه و کاهش قابل ملاحظه در میزان معاملات بازار سرمایه در آن کشور، همراه بوده است.

پژوهش‌های داخلی

همان‌طور که قبل از این نیز اشاره شد، توجه به جنبه‌های کلان اقتصادی مدیریت سود یکی از مواردی است که این پژوهش را از پژوهش‌های دیگر متمایز می‌کند و این در حالی می‌باشد که پژوهش‌های داخلی کمتر به این جنبه توجه کرده‌اند. در ادامه به نمونه‌هایی از این دسته مطالعات اشاره می‌شود:

نمازی و غلامی (۱۳۹۳) طی پژوهشی به بررسی تاثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بر کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها

تامی (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین پایداری سود و نوسان‌های شرایط اقتصادی (رونق یا رکورد) پرداخت و به این نتیجه رسید که سود حسابداری تحت تاثیر شرایط اقتصادی (رونق یا رکود) قرار می‌گیرد. در دوره رونق، تقاضا برای کالا و خدمات از پایداری رو به رشدی برخوردار است. همچنین، یافته‌های وی نشان داد که در دوره رونق، عدم اطمینان اقتصادی در شرایط پایینی قرار دارد؛ بنابراین، انتظار می‌رود که وضعیت شرکت نوسان کمتری داشته باشد و در نتیجه آن، سود شرکت که شاخصی از وضعیت کلی شرکت است، از پایداری بیشتری برخوردار باشد. در دوره رکود نیز چون تقاضا برای کالاها کاهش می‌یابد، رکود کل اقتصاد را فرا می‌گیرد و از آنجا که شرکت‌ها نیز در این محیط اقتصادی هستند، انتظار می‌رود که وضعیت شرکت نیز دچار نوسان شود. بنابراین، سود در دوره رکود از پایداری کمتری برخوردار است.

بلکویی و النجار^{۲۵} (۲۰۰۶) طی پژوهشی عواملی که در سطح بین‌المللی بر مدیریت سود اثرگذار هستند، شناسایی کردند. آن‌ها فرض کردند که این عوامل شامل عوامل اقتصادی، حسابداری و اجتماعی می‌باشد. عوامل اقتصادی را شامل رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی، عوامل حسابداری را شامل سطح افشا، تعداد حسابرسان و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری و عوامل اجتماعی شامل کیفیت زندگی، فساد و حاکمیت قانونی را در نظر گرفتند. نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد که مدیریت سود ارتباط معکوسی با سطح آزادی اقتصادی و کیفیت زندگی داشته و با سطح فساد، رشد اقتصادی و حاکمیت قانون، رابطه مستقیمی دارد و از بین متغیرهای حسابداری؛ یعنی سطح افشا، تعداد حسابرسان و پذیرش استانداردهای بین‌المللی فقط تعداد حسابرسان ارتباط معکوس و معناداری با مدیریت سود دارد.

جین^{۲۶} (۲۰۰۵)، به بررسی رابطه بین تغییرات تولید ناخالص داخلی و پنج متغیر حسابداری شامل رشد فروش، تغییر در حاشیه فروش، سود قبل از اقلام

بررسی، الگوهای مبتنی بر برآورد رگرسیونی، از توان بیشتری نسبت به سه الگوی هیلی، دی آنجلو و تعدیل شده دی آنجلو برخوردارند. همچنین، از میان روش‌های رگرسیونی روش اصلی جونز (۱۹۹۱) از توان کمتری برای تبیین مدیریت سود برخوردار است. درباره نسخه بعدی الگوی جونز، ویرایش تعدیل شده جونز (۱۹۹۵)، الگوی ساده دی‌چاو (۲۰۰۲)، الگوی جامع دی‌چاو و نسخه‌های تورم‌زدایی شده آن از توان بیشتری برای تبیین مدیریت سود برخوردارند.

مدرس و همکاران (۱۳۸۸) طی پژوهشی با عنوان بررسی انگیزه‌های مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (صنایع نفتی، شیمیایی و فلزی) پرداخته و به این نتیجه رسیدند که اندازه شرکت و قراردادهای بدهی محرکی برای مدیریت سود در هر دو گروه صنعت نفتی و فلزی می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق ایشان حاکی از این بود که بین انحراف در فعالیت‌های عملیاتی و مدیریت سود شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

شعری (۱۳۸۳) در رساله خود با عنوان نقش اطلاعات بنیادی حسابداری در پیش‌بینی بازده سهام، با استفاده از روش‌شناسی پژوهش‌های بازار و انتخاب بازده سهام و جهت پیش‌بینی، درصد آزمون تجربی سودمندی اطلاعات برآمد. هدف دیگر این پژوهش، ایجاد ارتباط بین متغیرهای حسابداری و اقتصادی بود؛ به گونه‌ای که با استفاده از تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی برای استخراج ارزش و بازده اقتصادی استفاده کرد. شرایط اقتصادی براساس متغیرهای کلان شامل تورم، صادرات نفت و گاز به دلار، رشد واقعی ارزش افزوده و تولید ناخالص ملی مورد توجه قرار گرفت و این شرایط برای هر متغیر به سه سطح کم، متوسط و زیاد طبقه بندی شد. طبقه‌بندی مدل‌های برازش شده برای هر یک از سال‌ها بر حسب شرایط مختلف اقتصادی، نشان داد که قابلیت پیش‌بینی متغیرهای حسابداری در شرایط مختلف اقتصادی و بر حسب نوع متغیرهای کلان اقتصادی تغییر می‌کند.

حاکمی از وجود رابطه معناداری بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و سرمایه‌گذاری ناکارای شرکت‌ها بود. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، میزان سرمایه‌گذاری ناکارای شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد. همچنین، آنان چنین نتیجه گرفتند که بین ارقام تعهدی اختیاری و سرمایه‌گذاری ناکارای دوره بعد نیز رابطه معناداری وجود دارد.

مشایخ و همکاران (۱۳۹۲) طی پژوهشی به مقایسه انگیزه‌های مدیریت سود توسط مدیران در ایران و کشورهای خارجی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که با وجود تفاوت شرایط و محیط اقتصادی ایران و اندازه و ساختار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با کشورهای خارجی متفاوت است، انگیزه‌های مدیریت سود در ایران و سایر کشورها تقریباً مشابه است.

سماواتی (۱۳۸۸) به بررسی رابطه ابهام گزارشگری مالی و توزیع بازده سهام پرداخته است. معیار تعیین ابهام صورت‌های مالی در این پژوهش، مدیریت سود با استفاده از دستکاری در ارقام تعهدی اختیاری می‌باشد. شاخص ابهام برابر با مجموع متحرک دوساله قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری است که این ارقام نیز با استفاده از الگوی تعدیل شده جونز محاسبه گردیده است. پس از بررسی ۳۴۳ مشاهده طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶، مشخص شد که ابهام صورت‌های مالی با ریسک شرکت، نوسان‌های قیمت و میزان هماهنگی تغییرات بازده سهام با بازده کل، ارتباط معناداری ندارد.

دادنوش فر و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین مدیریت سود و بازده واقعی و غیرعادی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که مدیریت سود در شرکت‌های مورد بررسی وجود داشته و با بازده واقعی و غیرعادی سهام رابطه معناداری دارد.

نیکومرام و همکاران (۱۳۸۸) به ارزیابی الگوهای مبتنی بر ارقام تعهدی برای کشف مدیریت سود پرداختند و به این نتیجه رسیدند که از الگوهای مورد

۳- فرضیه پژوهش

رابطه (۱)

$$DA_{it} = \beta_0 + \beta_1 D_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 Salesgrowth_{it} + \varepsilon_{it}$$

DA: اقلام تعهدی اختیاری

D: متغیر مجازی که در صورت منفی بودن رشد تولید ناخالص داخلی برابر یک و در غیر این صورت، برابر صفر است.

SIZE: اندازه شرکت

ROA: بازده دارایی‌ها

Salesgrowth: رشد فروش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نمونه آماری شامل شرکت‌هایی است که دارای ویژگی‌های زیر هستند:

- سهام آن‌ها بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ مورد معامله قرار گرفته باشد.
 - داده‌های مربوط برای دوره زمانی پژوهش در دسترس باشد.
 - سال مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
 - شرکت سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند.
 - طی دوره مورد بررسی سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
- باتوجه به شرایط اشاره شده در بالا، از مجموع شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، از داده‌های ۱۱۵ شرکت به عنوان نمونه پژوهش استفاده شده است.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به نظر می‌رسد مدیریت سود یکی از جذاب‌ترین و بحث برانگیزترین مباحث حسابداری طی سال‌های اخیر به‌شمار می‌آید. همان‌گونه که اشاره شد، عملکرد شرکت‌ها تحت تاثیر عوامل داخلی و خارجی هستند. یکی از عوامل خارجی که عملکرد شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، رکود اقتصادی می‌باشد. لازم به ذکر است که طی سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های ناعادلانه اعمال شده از شورای امنیت سازمان ملل، آمریکا و اتحادیه اروپا، رکود اقتصادی درکشورمان افزایش یافته و این در حالی است که هیچ پژوهشی تاکنون در ایران به بررسی تاثیر این رکود اقتصادی بر مدیریت سود نپرداخته است. از سوی دیگر، پژوهشگران زیادی از نوسان‌های تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخصی برای بررسی رکود و رونق اقتصادی استفاده کرده‌اند (گروپ و لانج^{۲۹}، ۲۰۱۴؛ هونکا پوهجا^{۳۰}، ۲۰۱۴؛ ایچنگرین^{۳۱}، ۲۰۱۴؛ هونگ و همکاران^{۳۲}، ۲۰۱۰؛ هونگ و تانگ^{۳۳}، ۲۰۱۲؛ کامین^{۳۴}، ۱۹۹۹؛ هونگ و تورنل^{۳۵}، ۲۰۰۵). در نتیجه در این پژوهش نیز از تغییرات تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری رکود اقتصادی استفاده شده و به بررسی رابطه بین رشد منفی تولید ناخالص داخلی (شاخص رکود اقتصادی) و مدیریت سود پرداخته شده است.

براساس آنچه که از نظر گذشت، فرضیه پژوهش بدین صورت مطرح می‌شود:

بین رشد منفی تولید ناخالص داخلی (رکود اقتصادی) و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

در این قسمت ابتدا الگوی مورد استفاده برای آزمون فرضیه پژوهش تشریح و سپس نحوه اندازه‌گیری متغیرها بیان می‌شود. در نهایت نیز جامعه آماری، نمونه و قلمرو زمانی پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرند. برای آزمون فرضیه پژوهش از رابطه (۱) استفاده شده است:

۵- متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری

متغیرها

در این بخش نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش تشریح می‌گردد.

متغیر وابسته

پژوهشگران زیادی به مقایسه الگوهای بررسی مدیریت سود پرداخته‌اند. اکثر این پژوهش‌ها به این

متغیر مستقل

همان‌طور که اشاره شد، در این پژوهش قصد بر این است تا اثر رشد منفی تولید ناخالص داخلی بر مدیریت سود بررسی شود. بنابراین از متغیر مجازی برای تقسیم دوره زمانی پژوهش به دوره رکود و رونق استفاده شده است؛ به گونه‌ای که وقتی رشد تولید ناخالص داخلی منفی باشد (رکود اقتصادی)، مقدار متغیر مجازی ۱ و در صورتی که رشد تولید ناخالص داخلی مثبت باشد (رونق اقتصادی)، مقدار متغیر مجازی صفر در نظر گرفته می‌شود.

متغیرهای کنترلی پژوهش

متغیرهای کنترلی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته اند به صورت زیر می باشند:

✓ اندازه شرکت

این متغیر کنترلی با نماد size در رابطه (۱) ارائه شده است و برای محاسبه آن از رابطه (۶) استفاده می‌شود:

رابطه (۶)

$$\text{Size} = \ln(\text{Total Asset})$$

$$\ln(\text{Total Asset}) = \text{لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت}$$

✓ بازده دارایی‌ها

این متغیر کنترلی با نماد ROA در رابطه (۱) ارائه شده است و برای محاسبه آن از رابطه (۷) استفاده می‌شود:

رابطه (۷)

رابطه محاسبه بازده دارایی‌ها

$$ROA = \frac{\text{Net Income}_t}{\text{Average Total Assets}_t}$$

Net Income_t : سود خالص شرکت

میانگین کل دارایی‌های

$\text{Average Total Assets}_t$: شرکت

نتیجه رسیده‌اند که الگوی تعدیل‌شده جونز بهتر از سایر الگوهای تواند مدیریت سود را تبیین کند (نیکومرام و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین در این پژوهش برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری به‌عنوان معیاری برای مدیریت سود، از مدل تعدیل‌شده جونز (۱۹۹۵) استفاده شده است (مشابه مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴؛ انصاری و همکاران، ۱۳۹۲). در این الگو ابتدا از رابطه (۲) ضرایب برآورد می‌شود:

رابطه (۲)

$$\frac{TA_{it}}{Assets_{it-1}} = \alpha_0 \frac{1}{Assets_{it-1}} + \alpha_1 \frac{\Delta Sales_{it}}{Assets_{it-1}} + \alpha_2 \frac{PPE_{it}}{Assets_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

پس از برآورد ضرایب با استفاده از رابطه (۳)، اقلام تعهدی غیراختیاری محاسبه می‌گردد:

رابطه (۳)

$$\frac{NDA_{it}}{Assets_{it-1}} = \alpha_0 \frac{1}{Assets_{it-1}} + \alpha_1 \left(\frac{\Delta Sales_{it} - \Delta AR_{it}}{Assets_{it-1}} \right) + \alpha_2 \frac{PPE_{it}}{Assets_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

و در نهایت برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری از رابطه (۴) استفاده می‌شود:

رابطه (۴)

$$\frac{DA_{it}}{Assets_{it-1}} = \frac{TA_{it}}{Assets_{it-1}} - \frac{NDA_{it}}{Assets_{it-1}}$$

TA: اقلام تعهدی

Assets: جمع دارایی‌ها

Sales: فروش

AR: حساب‌های دریافتنی

PPE: اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (ناخالص)

NDA: اقلام تعهدی غیراختیاری

DA: اقلام تعهدی اختیاری

همچنین، در این پژوهش برای محاسبه اقلام تعهدی از رابطه (۵) استفاده شده است:

رابطه (۵)

جریان نقد عملیاتی - سود قبل از اقلام غیرمترقبه = اقلام تعهدی

✓ رشد فروش

این متغیر کنترلی بانماد Salesgrowth در رابطه (۱) ارائه شده است. و برای محاسبه آن از رابطه (۸) استفاده میشود:

رابطه (۸): نحوه محاسبه رشد فروش

$$Sales\ Growth = \frac{Sales_t - Sales_{t-1}}{Sales_{t-1}} \times 100$$

$Sales_t$ = فروش در دوره مالی t

$Sales_{t-1}$ = فروش در دوره مالی t-1

احتمال آزمون F لیمر کمتر از ۰/۰۵ می باشد. چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، لذا در برآورد مدل رگرسیونی از روش داده های تابلویی استفاده می شود. همچنین باتوجه به نتایج آزمون F لیمر، لازم است برای تعیین نوع داده های تابلویی از آزمون هاسمن استفاده شود. با توجه به نتایج آزمون ارائه شده در جدول (۳)، مشخص است که احتمال به دست آمده از آزمون هاسمن کمتر از ۰/۰۵ است. به همین دلیل، برای برآورد این الگو از شیوه داده های تابلویی با آثار ثابت استفاده شده است.

جدول (۲): آزمون های آماری لازم جهت تحلیل

رگرسیون چندمتغیره

نوع آزمون استفاده شده	نوع آماره استفاده شده
نوع روش تخمین	F لیمر ۳۶ و هاسمن ۳۷
آزمون نرمال بودن	جارك - ۳۸
آزمون معنادار بودن متغیرها	آماره T
هم خطی متغیرهای مستقل	عامل تورم واریانس (VIF) ^{۳۹}
عدم خودهمبستگی جمله های خطا	آماره دوربینواتسون ^{۴۰}
معناداری الگوی پژوهش	F

مأخذ: مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۲)

۶- نتایج پژوهش

• آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی داده های پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	حداقل	حداکثر
اقدام تعهدی اختیاری	DA	۰/۰۴۹	-۰/۴۸۵	۰/۶۲۷
تولید ناخالص داخلی	GDP	۰/۰۱۱	-۰/۰۶۷۸	۰/۰۷۷۴
اندازه شرکت	SIZE	۱۳/۷۹۱	۱۱/۴۳۲	۱۸/۷۱۸
بازده دارایی ها	ROA	۰/۱۱۳	-۰/۳۲۷	۰/۵۷۱
رشد فروش	Salesgrowth	۰/۲۰۹	-۰/۷۸۷	۱/۷۵۶

مأخذ: یافته های پژوهشگران

جدول (۳): خلاصه نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

نوع آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
F لیمر	۲/۳۰۱۹	۰/۰۰۰	تابلویی
هاسمن	۱۳/۹۰۴۶	۰/۰۰۷۶	آثار ثابت

مأخذ: یافته های پژوهشگران

• آمار استنباطی

در این پژوهش برای تحلیل داده ها از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. تحلیل رگرسیون روشی برای بررسی میزان نقش یک یا چند متغیر مستقل در پیش بینی متغیر یا متغیرهای وابسته می باشد. آزمون های آماری لازم و نوع آماره استفاده شده جهت تحلیل رگرسیون چندمتغیره پژوهش حاضر، در جدول (۲) ارائه شده است.

باتوجه به اینکه داده های این پژوهش به صورت ترکیبی است، ابتدا باید از آزمون F لیمر برای تشخیص تلفیقی یا تابلویی بودن داده ها استفاده شود. نتایج آزمون مندرج در جدول (۳) نشان می دهد که

قبل از آزمون فرضیه پژوهش، باید نرمال بودن متغیر وابسته مشخص گردد. توزیع غیرنرمال این متغیر منجر به تخطی از فرض های کلاسیک الگوی رگرسیون می شود. لذا لازم است نرمال بودن این متغیر مورد بررسی قرار گیرد. این کار از طریق انجام آزمون نرمال بودن به شرح زیر و با استفاده از آماره جارك - برا صورت می پذیرد.

$$\begin{cases} H_0 = \text{Normal Distribution} \\ H_1 = \text{Not Normal Distribution} \end{cases}$$

قادر به تبیین ۳۰٪ از تغییرات در اقلام تعهدی اختیاری هستند.

در بررسی فرضیه پژوهش از آماره t استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، بررسی ضریب وسط معناداری مربوط به تغییرات تولید ناخالص داخلی (متغیر مجازی) بیانگر آن است که بین تغییرات منفی این متغیر و اقلام تعهدی اختیاری، رابطه مستقیمی وجود دارد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. به عبارتی با افزایش رکود اقتصادی (تغییرات منفی تولید ناخالص داخلی)، مدیریت سود بیشتری توسط شرکت‌ها صورت می‌گیرد. از بین متغیرهای کنترلی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند، فقط رشد فروش رابطه معناداری با متغیر وابسته ندارد.

با توجه به نتایج می‌توان بیان نمود که شرکت‌ها در دوران رکود اقدام به مدیریت سود می‌کنند. به عبارت دیگر علاوه بر انگیزه‌های مدیریت سود از قبیل افزایش پاداش و جلوگیری از نقض مفاد قراردادهای می‌توان رکود اقتصادی را نیز یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر مدیریت سود شرکت‌ها دانست. می‌توان دلیل این موضوع را اینگونه بیان نمود که از آنجایی که رکود اقتصادی از جمله عوامل کلان اقتصادی است که می‌تواند تاثیر منفی بر عملکرد شرکت‌ها داشته باشد، لذا شرکت‌ها سعی دارند تا با مدیریت سود عملکرد خود را بهتر نشان دهند.

نتیجه حاصل از انجام آزمون نرمال بودن در جدول (۴) ارائه شده است. با توجه به اینکه احتمال آماره بیشتر از ۵٪ است، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن متغیر وابسته رد نمی‌شود.

جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون جارک - برا

سطح معناداری	آماره	متغیر وابسته
۰/۸۴۵	۰/۶۱۴	اقلام تعهدی اختیاری

مأخذ: یافته‌های پژوهشگران

نتایج آزمون فرضیه پژوهش

نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش در جدول (۵) ارائه شده است. قبل از انجام آزمون لازم است تا نبود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش بررسی شود. بدین منظور، در این پژوهش از شاخصعامل تورم واریانس استفاده شده است. اگر این شاخص پایین باشد (کمتر از ۵)، هم‌خطی وجود ندارد. مقادیر ارائه شده در جدول (۵)، بیانگر نبودن هم‌خطی بین متغیرهاست.

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار و احتمال آماره F بیانگر معنادار بودن کلی معادله رگرسیون در سطح ۹۵٪ است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده کلنیز برابر با ۳۰٪ است. این مقدار بیانگر آن است که متغیرهای مستقل الگوی ارائه شده،

جدول (۵): نتایج رگرسیون

$DA_{it} = \beta_0 + \beta_1 D_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 Salesgrowth_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	ضرایب متغیرهای الگوی رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	VIF	
عرض از مبدا	β_0	-۳/۵۷۴	۰/۰۰۰	-	
متغیر مجازی	β_1	۲/۱۰۰	۰/۰۳۶۲	۱/۹۲۲	
اندازه شرکت	β_2	۳/۴۷۶	۰/۰۰۰	۱/۴۳۰	
بازده دارایی	β_3	۴/۰۸۹	۰/۰۰۰	۱/۹۱۲	
رشد فروش	β_4	۰/۶۱۲۷	۰/۵۴۰۳	۱/۶۱۴	
ضریب تعیین		۰/۴۵			۳/۱۹۴۶
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۰			
آماره دوربین - واتسون		۲/۲۱			۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهشگران

۷- نتیجه گیری و بحث

مدیریت سودیکی از مباحث حسابداری مالی محسوب می‌شود که طی سال‌های اخیر، پژوهش‌های مرتبط با مدیریت سود، حجم زیادی از متون و ادبیات حسابداری را به خود اختصاص داده است. به طور کلی، می‌توان گفت که عوامل برون‌شرکتی (سیستماتیک) و عوامل خاص شرکت‌ها (غیر سیستماتیک) بر مدیریت سود توسط مدیران تاثیرگذارند. عوامل سیستماتیک، شامل عواملی است که کل اقتصاد را فرا گرفته و بر تمام شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد؛ اما اطلاعات درباره عوامل خاص شرکت‌ها (غیر سیستماتیک)، شامل اطلاعاتی درباره تغییر مدیران، وضعیت شرکت و سایر موارد است. بیشتر پژوهش‌های پیشین در رابطه با مدیریت سود، بیشتر بر تاثیر عوامل خاص شرکت بر مدیریت سود پرداخته‌اند و تاثیر یکی از عوامل برون‌شرکتی مانند نوسان‌های عوامل کلان اقتصادی بر مدیریت سود، مورد بررسی قرار نگرفته است. از سوی دیگر، موضوعی که امروزه اهمیت زیادی دارد، آن است که عوامل کلان اقتصادی می‌تواند بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر گذارد (جانسون، ۱۹۹۹). از طرفی تولید ناخالص داخلی به‌عنوان یکی از متغیرهای کلان اقتصادی در سال‌های اخیر نوسان‌های زیادی داشته، که ناشی از اعمال تحریم‌های ناعادلانه شورای امنیت، آمریکا و اتحادیه اروپا می‌باشد. بدین منظور در این پژوهش به بررسی تاثیر رشد منفی تولید ناخالص داخلی (رکود اقتصادی) بر مدیریت سود پرداخته شده است. نتیجه آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که رابطه مستقیم و معناداری بین رکود اقتصادی (افزایش رشد منفی تولید ناخالص داخلی) و مدیریت سود وجود دارد. در واقع با افزایش رکود اقتصادی، تمایل مدیران برای مدیریت سود بیشتر می‌شود تا با بهتر نشان دادن وضعیت شرکت (افزایش سود با استفاده از انتخاب روش‌های مختلف حسابداری)، مانع از ورشکستگی شرکت‌ها شوند. نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش پژوهشگرانی مانند دی‌آنجلو و همکاران^{۴۱} (۱۹۹۴)، دیفوند و جیمبالوو^{۴۲} (۱۹۹۴) و کایریاکو و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد و مخالف نتایج پژوهش

پژوهشگرانی مانند چاریتوا و همکاران^{۴۳} (۲۰۱۱) و حبیب و همکاران^{۴۴} (۲۰۱۳) می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش و تحلیل آن در چارچوب شرایط محیطی کشورمان، پیشنهادهای کاربردی زیر پیشنهاد می‌شود.

- یافته‌های پژوهش حاضر عاملی است در جهت آگاه ساختن مجموعه سیاست‌گذاران و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری تا به تاثیر مستقیم برخی متغیرهای کلان اقتصادی بر مدیریت سود، توجه بیشتری داشته باشند.
- باتوجه به دامنه نوسان متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نوسانات تولید ناخالص در کشورمان به- دلیل شرایط اقتصادی حاصل از اعمال تحریم‌های ناعادلانه، به سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران و سایر استفاده کنندگان صورت‌های مالی شرکت‌ها توصیه می‌شود تا باتوجه به یافته‌های پژوهش حاضر، در تصمیم‌گیری‌های خود بر مبنای ارقام سود، به تاثیر رشد منفی تولید ناخالص داخلی بر مدیریت سود توجه بیشتری مبذول دارند.
- برخلاف سایر کشورها که هنگام بررسی مدیریت سود، متغیرهای کلان اقتصادی نیز در نظر گرفته می‌شود، در ایران کمتر به این موضوع توجه شده است. بنابراین پیشنهادهای این پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:
- هنگام بررسی مدیریت سود، سایر متغیرهای کلان اقتصادی مانند نوسان‌های نرخ تورم، نرخ ارز و نقدینگی، مورد بررسی قرار گیرد.
- بررسی تاثیر نوسان‌های متغیرهای کلان اقتصادی بر مدیریت سود در یک صنعت خاص مورد بررسی واقع شود.

فهرست منابع

* انصاری، عبدالمهدی؛ دری، مصطفی و شیرزاد، علی، (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر محافظه کاری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت سود و سطح و کلی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران،

- * مرادزاده فرد، مهدی؛ علیپور، زهرا و نظری، هماد، (۱۳۹۲)، بررسی خطای پیش بینی سود مدیریت و محتوای اطلاعاتی ارقام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۷، صص ۲۰-۳۴.
- * مدرس، احمد؛ قفقازی، زهرا و شاکری، امیر، (۱۳۸۸)، بررسی انگیزه های مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (صنایع نفتی، شیمیایی و فلزی)، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۴، ۷۸-۵۹.
- * Bhattacharya, U., H. Daouk, and M. Welker (2003); "The World Price of Earnings Capacity", *The Accounting Review*, 78(3), pp. 41-78.
- * Charitou, A., N. Lambertides, and L. Trigeorgis (2011); "Distress Risk, Growth, and Earnings Quality", *Abacus*, 47(2), pp. 158-181.
- * DeAngelo, H., L. DeAngelo, and D.J. Skinner (1994); "Accounting Choice in Troubled Companies", *Journal of Accounting and Economics*, 17(1-2), pp. 113-143.
- * Dechow, P. M., R.G. Sloan and A.P. Sweeney (1995); "Detecting Earnings Management", *The Accounting Review*, 70(2), pp. 193-225.
- * Dechow, P.M. (1994); "Accounting Earnings and Cash Flow as Measures of Firm Performance: The Role of Accounting Accruals", *Journal of Accounting and Economics*, 18(1), pp. 3-42.
- * Dechow, P.M. and I.D. Dichev (2002); "The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors", *The Accounting Review*, 77, pp. 35-59.
- * DeFond, M. and J. Jiambalvo (1994); "Debt Covenant Violation and Manipulation of Accruals", *Journal of Accounting and Economics*, 17(1-2), pp. 145-176.
- * DeGeorge, F., J. Patel, and R. Zeckhauser (1999); "Earnings Management to Exceed Thresholds", *Journal of Business*, 72, pp. 1-33.
- * Donelson D.C., R. Jennings, and J.M. McInnis (2010); "Changes over Time in the Revenue-Expense Relation: Accounting or Economics?", *McCombs Research Paper*. Available at: <http://ssrn.com>.
- فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ۱۹)۶، صص ۴۸-۳۱.
- * سماواتی، پیمان، (۱۳۸۸)، رابطه ابهام گزارشگری مالی و توزیع بازده سهام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- * شعری آناقیز، صابر، (۱۳۸۳)، نقش اطلاعات بنیادی حسابداری در پیش بینی بازده سهام"، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- * کرمی، غلامرضا؛ مشایخی، بیتا؛ مهران، ساسان و مهران، کاوه، (۱۳۸۴)، نقش ارقام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، صص ۷۴-۶۱.
- * مشایخ، شهناز؛ اربابی، زهرا و رحیمی فر، معصومه، (۱۳۹۲)، بررسی انگیزه های مدیریت سود، پژوهش حسابداری، شماره ۹، صص ۴۷-۲۵.
- * نمازی، محمد و غلامی، رضا، (۱۳۹۳)، تاثیر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بر کارایی سرمایه گذاری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، سال ۵(۱۷)، صص ۴۸-۲۹.
- * نوروش، ایرج و حسینی، سیدعلی، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین کیفیت افشا و مدیریت سود، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۵، صص ۱۳۴-۱۱۷.
- * نیکومرام، هاشم؛ نوروش، ایرج و مهرآذین، علیرضا، (۱۳۸۸)، ارزیابی مدل های مبتنی بر ارقام تعهدی برای کشف مدیریت سود، پژوهش های مدیریت، شماره ۸۲، صص ۵۶-۲۴.
- * دادنوش فر، علی؛ احمدی، محمدرمضان و گسگری، ریحانه، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین مدیریت سود و بازده واقعی و غیرعادی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۱۱، ۱۴۳-۱۱۹.

- Journal of Business Finance and Accounting, 36(9), pp.105-141.
- * Jin, Q. (2005); "Business Cycle, Accounting Behavior, Earning Management", Ph.D. Dissertation, Hong Kong University of Science and Technology.
 - * Johnson, M. F. (1999); "Business Cycles and the Relation between Security Returns and Earnings", Review of Accounting Studies, 4(2), pp. 93-117.
 - * Kaplan, R, and W. Roll (1973); "Accounting Changes and Stock Prices", Financial Analysts Journal, 29, 48-72.
 - * Kamin, S. (1999); "The Current International Financial Crisis: How Much Is New?", Journal of International Money and Finance, Vol.18, pp.501-514.
 - * Kyriakou, M.I., G. Iatridis, and A.I. Dimitras (2015); "Financial Crisis, GDP Variation and Earnings Management in Europe", Research in International Business and Finance, 78(4), pp. 338-354.
 - * Riahi-Belkaoui, A., F.K. ALNajjar (2006); "Earning Opacity internationally and Elements of Social, Economic and Accounting order", Review of Accounting and Finance, 5, 189-203.
 - * Richardson, S.A., R.G. Sloan, M.T. Soliman, and I. Tuna (2005); "Accrual Reliability, Earnings Persistence and Stock Prices", Journal of Accounting and Economics, 39(3), pp.437-485.
 - * Scott, R.W (2000); Financial Accounting Theory, 2nded, New Jersey: Prentice Hall.
 - * Tomy R.E. (2012); "Earnings Persistence over the Business Cycle", Working Paper. Stanford University.
 - * Watts, R. L., and J.L. Zimmerman (1978); "Towards a Positive Theory of the Determination of Accounting Standards", The Accounting Review, 53(1), pp. 112-134.
 - * Welker, M. (1995); "Disclosure Policy, Information Asymmetry, and Liquidity in Equity Markets", Contemporary Accounting Research, 11(2), pp.801-827
 - * Eichengreen, B., Jung, N., Moch, S. and Mody, A. (2014); "The Eurozone Crisis: Phoenix Miracle or Lost Decade?", Journal of Macroeconomics, 39, 288-308.
 - * Fern, R. H., B. Brown, and S.W. Dickey (1994); "An Empirical Test of Politically-Motivated Income Smoothing in the Oil Refining Industry", Journal of Applied Research, 10(1), pp.92-100.
 - * Ganzach, Y. (1996); "Anchoring and Adjustment, Compatibility, and the Better Understanding of the Preference Reversal Phenomenon", Journal of Behavioral Decision Making, 9(2), pp.112-114.
 - * Gruppe, M. and Lange, C. (2014); "Spain and the European Sovereign Debt Crisis", European Journal of Political Economy, 34, 3-8.
 - * Habib, A., B. Huiyan, and A. Islam (2013); "Financial Distress, Earnings Management and Market Pricing of Accruals during the Global Financial Crisis", Managerial Finance, 39(2), pp.155-180.
 - * Healy, P., and J. Wahlen (1999); "A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting", Accounting Horizons, 13(4), pp.120-152.
 - * Hines, R. D. (1982); "The Usefulness of Annual Reports: The Anomaly between the Efficient Market Hypothesis and Shareholder Surveys", Accounting and Business Research, 12(48), pp.296-309.
 - * Hong, K., and Tornell, A. (2005); "Recovery from a Currency Crisis: Some Stylized Facts", Journal of Development Economics, Vol.76 No.1, pp.71-96.
 - * Hong, K., Lee, J.W. and Tang, H. C. (2010); "Crises in Asia: Historical perspectives and implications", Journal of Asian Economics, Vol.21, pp.265-279.
 - * Hong, K. and Tang, H.C. (2012); "Crises in Asia: Recovery and policy responses", Journal of Asian Economics, Vol.23, pp.654-668.
 - * Honkapohja, S. (2014); "The Euro Area Crisis: A View from the North", Journal of Macroeconomics, 39, 260-271.
 - * Iatridis, G., and A.I. Dimitras (2013); "Financial Crisis and Accounting Quality: Evidence from Five European Countries", Advances in Accounting Incorporating Advances in International Accounting, 29, pp.154-160.
 - * Jenkins D.S., G.D. Kane, and U. Velury (2009); "Earnings Conservatism and Value Relevance across the Business Cycle",

یادداشت‌ها

¹ Gross Domestic Production (GDP)

² Johnson

³ Scott

⁴ Fern

⁵ George

⁶ Healy and Wahlen

⁷ Mechanistic Hypothesis

⁸ Efficient market Hypothesis

⁹ Positive Theory

¹⁰ Agency Theory

¹¹ Ganzach

¹² De chow

¹³ Welker

¹⁴ Kaplan

¹⁵ Roll

¹⁶ Hines

¹⁷ Watts and Zimmerman

¹⁸ Donelson

¹⁹ Dechow and Dichev

²⁰ Richardson

²¹ Jenkins

²² Tomy

²³ Kyriakou

²⁴ Iatridis and Dimitras

²⁵ Belkaoui and AlNajjar

²⁶ Jin

²⁷ شرکت‌های گروه چرخه ای به شرکت‌هایی گفته می‌شود که تحت تاثیر رونق و رکود اقتصادی قرار گرفته و این رونق و رکود بر تقاضای محصولات آنها اثر می‌گذارند، مانند صنایع خودروسازی؛ ولی شرکت‌های غیر چرخه ای تحت تاثیر رونق و رکود اقتصادی قرار نمی‌گیرند مانند صنایع دارویی.

²⁸ Bhattacharya

²⁹ Gruppe and Lange

³⁰ Honkapohja

³¹ Eichengreen

³² Hong et al.

³³ Hong and Tange

³⁴ Kamin

³⁵ Hong and Tornell

³⁶ F-Limer

³⁷ Hausman

³⁸ Jarque-Bera

³⁹ Variance Inflation Factor (VIF)

⁴⁰ Durbin-Watson

⁴¹ DeAngelo

⁴² DeFond and Jiambalvof

⁴³ Charitou

⁴⁴ Habib